

متغیرهای تأثیر پذیری در تربیت اخلاقی با مروری بر آیه «بلد طیب و خبیث»

Motaqi345@gmail.com

غلامرضا متقی فر / استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۵

چکیده

آیه مبارکه «بلد طیب و خبیث»، در مقام بیان مبنای ساختار اخلاقی عمده انسان‌ها در عرصه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری محیطی است. قانون آیه فراگیر است، به گونه‌ای که تأثیرپذیری مطلوب یا نامطلوب انسان‌ها از محیط را به طور عام اعلام می‌دارد. البته شاید عده قلیلی از این حکم مستثنا باشند که خود قرآن کریم در آیاتی آن استثنائات را نیز بیان کرده است. بلد طیب و خبیث در آیه پنجاه و هشتم سوره اعراف، معادل محیط پاکیزه و آلوده است. محیط، هر عاملی است که توان تأثیرگذاری مطلوب یا نامطلوب بر اندیشه و رفتار انسان را دارد. از جمع آیات، دو نکته مهم حاصل می‌شود: اولاً، اخلال در روند هدایت انسان‌ها ارتباط مستقیم با قابل یا تأثیرپذیرندگان دارد. ثانیاً، تأثیرپذیری انسان‌ها از شرایط واحد یکسان نیست، بلکه متغیرهای فراوانی وجود دارد که تأثیرپذیری را تشدید یا تضعیف، یا احیاناً تأثیر عوامل را بکلی خنثا می‌کند. این پژوهش با روش اسنادی - تحلیلی، درصدد بررسی این واقعیت است که کدام متغیر ضریب تأثیرپذیری انسان‌ها از شرایط محیطی را افزایش یا کاهش می‌دهد. متغیرهایی مانند دوران کودکی، میزان حضور در محیط، تقلید، میزان اعتماد به متغیر اثرگذار، سالم‌پنداری محیط آلوده، ضعف اراده یا ناتوانی در کنترل خویشتن، هر کدام به تنهایی یا جمع آنها تأثیرپذیری انسان از محیط پاک یا آلوده را تسهیل می‌کند. در برابر، فقدان متغیرهای مزبور یا جانشینی آنها با ضد خود یا نوع ترکیب و عملکرد فردی یا جمعی متغیرها، ظرفیت آن را دارد که شرایط تأثیرپذیری را تغییر دهد یا احیاناً اثر عوامل تأثیرگذار را معکوس کند.

کلیدواژه‌ها: بلد طیب و خبیث، تربیت اخلاقی، تأثیرپذیری محیطی.

آیه پنجاه و هشتم سوره اعراف، «بلد طیب» را به اذن خدا، زمینه و مقتضی رویدن گیاهان پاکیزه و «بلد خبیث» را با تأکید، زمینه و مقتضی رویش گیاهان ناچیز و بی‌ارزش دانسته است: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْأَبَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ»؛ و سرزمین پاکیزه گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید. اما سرزمین بدطینت جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید. این‌گونه آیات را برای آنها که شکر گزارند بیان می‌کنیم.

علامه طباطبایی معتقد است: «معنای آیه بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با آیه قبل، در پی تفهیم این حقیقت است که اعمال نیک انسان از گوهر پاک؛ در برابر، اعمال خلاف نیز از باطن پلید و ناپاک سرچشمه می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۶۱). زمخشری در *الکشاف* از قول قتاده آورده است: «المؤمن سمع كتاب الله فوعاه بعقله وانفع به، كالأرض الطيبة أصابها الغيث فأنبتت والكافر بخلاف ذلك»؛ مؤمن - برخلاف کافر - کسی است که آیات خدا را می‌شنود، با عقل خویش آن را فهم می‌کند و از آن سود می‌برد؛ مانند زمین طیبی که باران بر آن می‌بارد و از آن گیاه سودمند می‌روید (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۲). در *لطائف الاشارات*، مقصود آیه چنین بیان شده است: «اگر اصل، رشد کند فرع نیز رشد خواهد کرد و اگر جوهر خبیث باشد، هرچه از آن صادر می‌شود نامطلوب خواهد بود... کسی که باطن قلبش باصفا باشد افعال ظاهری‌اش نیز پاکیزه‌اند، همچنین برعکس» (قشیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۳).

هرچند در آیه کریمه فوق، قدرت شرایط محیطی در تأثیر گذاری مطلوب یا نامطلوب بر انسان مورد تأکید قرار گرفته، اما از نگاه کلی قرآن کریم، تأثیرپذیری از محیط غالب، قطعی و الزامی نیست؛ زیرا در آیات فراوان دیگر، محیط صرفاً به‌عنوان عامل اقتضایی و اعدادی در تربیت دانسته شده و نقش الزام‌کننده آن رد گردیده است. از این دسته آیات، می‌توان به تأثیرناپذیری اصحاب کهف از محیط مشرکانه (کهف: ۱۰)، تأثیرناپذیری فرزند حضرت نوح از پدر (هود: ۴۳)، تأثیرناپذیری همسران نوح و لوط از شوهران (تحریم: ۱۰)، مقاومت همسر فرعون در برابر آموزه‌های شرک‌آلود او (تحریم: ۱۱)، همچنین مقاومت حضرت یوسف علیه السلام در برابر محرکات شهوانی اشاره کرد. در عین آنکه از مؤثرات محیطی نباید غافل شد، از آیات و روایات استفاده می‌شود که قابلیت قابل، نقش اول را دارد. نزول باران برای رویش زمین لازم است، اما نزول آن بر زمین فاقد استعداد رویش بی‌تأثیر است. قرآن کریم کتاب هدایت یا همان باران رحمت است که بر همگان یکسان ریزان است، اما ریزش آن، دل مردگان را زنده نمی‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره: ۶)؛ کسانی که کافر شدند برایشان تفاوت نمی‌کند که آنان را (از عذاب خداوند) بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد. هیچ موعظه‌ای در آنان اثرگذار نیست: «قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ» (شعراء: ۱۳۶)؛ گفتند: برای ما تفاوت نمی‌کند، چه ما را اندرز بدهی یا ندهی.

طرح مسئله

آیه «بلد طیب و خبیث» (اعراف: ۵۸) عوامل محیطی را از عوامل تسهیل‌کننده، در عین حال دشوارکننده تربیت‌پذیری دانسته است. به بیان دیگر، برای عوامل محیطی - بسته به طیب یا خبیث بودن محیط - کارکردی دوگانه تعریف شده

است. در تعبیر: «یخرج باذن ربه» و «لا یخرج الا نکدا» نوع محصول بیان شده است. آیه مزبور، ناظر به عمومیت قانون تأثیرپذیری انسان از محیط است؛ اما میزان تأثیرپذیری متربیان از عوامل محیطی، شرایط را غیرقابل پیش‌بینی می‌کند. انسان‌هایی که در محیط واحدی رشد کرده‌اند، با سطوح متفاوتی تأثیر می‌پذیرند؛ حتی گاهی تأثیر عوامل محیطی معکوس می‌شود. آیه مبارکه «تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ» که امام صادق علیه السلام در تفسیر آن فرموده‌اند: «یعنی المؤمن من الکافر والکافر من المؤمن» (عروسی حویزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۲۵)، نمونه‌ای از آن است. علامه طباطبایی ذیل آیه فوق نوشته است: «وذلك إخراج المؤمن من صلب الکافر وإخراج الکافر من صلب المؤمن» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۳۶). از این رو، سزاوار است بیش از عوامل تأثیرگذار، به متغیرهای تأثیرپذیری توجه شود. برآوردی گذرا از آیات، این نتیجه را به دست می‌دهد که آنچه مانع اکمال فرایند تربیت است، بیش از هر چیز با شخص قابل مرتبط است. برای مثال، آیه «یا حَسْرَةَ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ» (یس: ۳۰)؛ و نیز آیات دیگر (نحل: ۶۳؛ مؤمنون: ۲۴ و ۳۳؛ نمل: ۴۵) دلایل روشن این مدعایند. هرچه باشد، انسان و محیط تعاملی دوجانبه دارند. انسان سازنده محیط و محیط نیز سازنده انسان است. بنابراین، برای تغییر مطلوب انسان، تغییرات مطلوب محیطی، و برای ایجاد تغییرات مطلوب محیطی، دست‌کاری در اندیشه و رفتار آدمی لازم است. متغیرهایی وجود دارند که تأثیرگذاری انسان بر محیط یا تأثیرپذیری از آن را افزایش می‌دهند. در این پژوهش، برخی متغیرها، که زمینه تأثیرپذیری از محیط را موجب می‌شوند، بررسی شده‌اند.

مفهوم‌شناسی

الف. بلد طیب و خبیث: طوسی نوشته است: «بلد» سرزمینی مخالف بیابان و صحراست که خلق کثیری که هر کدام به شغلی اشتغال دارند، در آن جمع آمده‌اند. «بلد طیب» مکانی است که اسباب تلذذ در آن فراهم است، و در برابر، «بلد خبیث»، جایی است که اسباب ناشادی در آن گرد آمده است. ایشان از قول ابن عباس، حسن، مجاهد، قتاده و سدی نقل کرده است: خدای متعال مؤمن و اطاعت او، همچنین سودمند شدن مؤمن از امر و نهی الهی را به زمینی که به واسطه آب گوارا، ثمر طیب می‌دهد؛ همچنین کافر، کفر و معصیت او را به شوره‌زاری که برکت از آن رفته است و نزول باران بر آن سودی ندارد، تشبیه کرده است (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۴۳۳).

«بلد» در نگاه اول، ناظر به سرزمین طبیعی است، اما معصومان علیهم السلام آن را به محیط و عوامل انسانی نیز تعمیم داده‌اند (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۳۲). محیط طبیعی و انسانی در احاطه، اشتراک دارند؛ اما محیط انسانی در تأثیرگذاری شدیدتر است. بر این اساس، هر عامل اثرگذار تربیتی، از جمله نفس انسانی، که موجب صدور اعمال خبیث یا طیب می‌شود، مصداق «بلد طیب» یا «بلد خبیث» است. امر و نهی الهی، که زمینه‌ساز تزکیه انسان است، شرایط خانوادگی، جامعه انسانی، رسانه‌های جمعی و فضای مجازی، که به نوعی بینش، گرایش و کنش آدمیان تحت تأثیر آنهاست، مصداق‌هایی از محیط طیب و خبیث است. محیط از حیث مصداق و معنا، نسبت به بلد، وسعت بیشتری دارد. برخی محققان نوشته‌اند:

محیط) شامل تمامی متغیرهای خارج از وجود فرد می‌شود که از آغاز باروری و انعقاد نطفه تا هنگام تولد و سپس تا مرگ، انسان را دربر گرفته و بر او تأثیر می‌گذارد، یا از وی تأثیر می‌پذیرد (بی‌ریا و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۲۱۹).

برخی نیز معتقدند: «محیط تربیتی تمام عوامل تأثیرگذار بر واقعیت‌های اجتماعی، از جمله خانواده، دوستان، حلقه‌های ذکر، مساجد، علمای دین، مدرسه و دولت را شامل می‌شود» (حسینی عذاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸). اما تعریف ذیل، جامع‌تر است:

محیط انسانی هر چیزی است که انسان را احاطه کرده یا خارج از وجود انسان است که به دو قسم داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. محیط داخلی شامل همه مؤثرات محیطی است که از زمان تشکیل نطفه تا زمان تکمیل جنین را شامل می‌شود (عبدالقادر، ۱۳۵۴ق، ص ۱۷۴).

رازی از جانبی خود قرآن، از جانب دیگر، نفس انسانی متصل به قرآن و از جانب سوم، مؤمن را همان بلد، عامل یا محیطی دانسته است که انواع طاعات و معارف و اخلاق ستوده از آن صادر می‌شود. «...خدای متعال مؤمن را به زمینی حاصل خیز و بابرکت، کافر را به زمینی شوره‌زار، و نزول قرآن را به نزول باران تشبیه کرده است. زمانی که بر زمین حاصل خیز باران بیارد، انواع شکوفه‌ها و میوه‌ها از آن می‌روید. اما زمین شوره‌زار، هرچند باران بر آن بیارد، گیاهی- جز اندک- نمی‌روید. انسانی که از جهالت و اخلاق مذموم پاک است، زمانی که به نور قرآن متصل شود، انواع طاعات و معارف و اخلاق ستوده از آن صادر می‌شود، و روح خبیث و کدر اگر با قرآن مرتبط شود، معارف و اخلاق ستوده- جز اندکی- در آن ظاهر نمی‌شود» (رازی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۹۱).

البته اراده انسان و ورای آن، اراده خدا، حاکم بر تأثیرات محیطی است؛ اما قطعاً اراده او تابع حکمت اوست. محیط اعم از حقیقی یا مجازی است. دیکشنری *مریام وبستر* فضای مجازی را به «شبکه‌های کمپیوتری جهانی، مخصوصاً اینترنت» تعریف کرده است (وبستر، ۱۹۹۶). فضای مجازی به معنای واقعی، مجازی نیست، هرچند قدرت توهم‌زایی دارد. فراگیری، جذابیت، توهم‌زایی و تأثیرگذاری ناخودآگاه از ویژگی‌های آن است.

برای بلد قرآنی سه وصف ذکر شده است: میته، طیب و خبیث (ر.ک: سبأ: ۱۵؛ فرقان: ۴۹؛ زخرف: ۱۱؛ ق: ۱۱؛ فاطر: ۹). بلاغی نجفی می‌نویسد: «طیب» به معنای خالص و منزه از هر آلودگی است. «طیب» درباره انسان، به معنای پاک بودن از هر خبثات یا صفت و حالت ناخوشایند یا پاکی است در آنچه اراده کرده و در آن رغبت دارد (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۳۱). همین نویسنده که- به نوشته خودش- بعد از بررسی فراوان به این تعریف دست پیدا کرده، افزوده است: در بیان رسول اکرم ﷺ، صحابه کرام و ائمه هدی ﷺ، تفسیر طیب را نیافتیم، اما ظاهراً طیب مشترک معنوی است؛ یعنی معنای واحد، اما مصادیق متعدد دارد (همان).

در برابر «بلد طیب»، «بلد خبیث» قرار دارد که محصول آن «نکد» است. راغب اصفهانی، «خبیث» را امر ناپسند - مادی یا معنوی- معرفی کرده که به سبب پلیدی و پستی، مکروه است (راغب، بی‌تا، ص ۲۷۲). علامه طباطبایی، نکد را به «قلیل» معنا کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۶۱). اما نظر به متناظر بودن دو مفهوم «طیب» و «خبیث»، که در وصف «بلد» آمده و دو مفهوم «یخرج نباته باذن ربه» با «لا یخرج الا نکدا»، که

وصف رویدنی‌هاست، می‌توان فهمید که معنای «نکد» در «قلیل» خلاصه نمی‌شود، بلکه بر کیفیت نامطلوب آن نیز اشعار دارد. بی‌ارزش، بی‌برکت، بی‌کیفیت و غیر قابل استفاده نیز از معانی آن است. علاوه بر آن، محصول بلد خبیث، یعنی همان نکد - برخلاف محصول بلد طیب - به خدای متعال نسبت داده نشده است تا نشان دهد شکل‌گیری تربیت نامطلوب، ناشی از اراده و اختیار خود انسان است.

ب. تربیت اخلاقی: برخی محققان با نظر به سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۸)، تربیت اخلاقی را پس از مقام نبوت، برترین رسالت دانسته و این‌گونه معنا کرده‌اند: «تربیت اخلاقی پرورش قوای درونی و تعالی صفات اخلاقی جهت نیل به فضایل انسانی است که دوری از رذیلت‌ها را به همراه دارد» (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۵۴).

همین نویسنده ایجاد تعادل در قوای درونی انسان با اشراف عقل را نشانه توانایی انسان بر تربیت اخلاقی خویش دانسته، هماهنگی فردی و جامعه را برای رسیدن به این مقصود لازم شمرده است (همان، ص ۵۶ و ۵۵). تربیت اخلاقی، تلاش در جهت شکوفا کردن استعدادهای فطری - اخلاقی انسان، همچنین تلاش در جهت ایجاد اصلاح یا تبیین فضایل، و همزمان تلاش برای دفع یا رفع رذایل در عرصه‌های بینش، گرایش و کنش از طریق روش‌های متناسب با تزکیه است که در نهایت، به کمال و سعادت انسان منتهی می‌شود.

اهمیت تأثیرپذیری محیطی

شخصیت آدمی متأثر از محیط و ساخته محیط است. «تأثیرپذیری از شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی، از مبانی تربیت انسان است» (باقری، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴). بدین‌رو، برای تغییر مطلوب، اولین گام تغییر محیط است. «برای ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان، باید به دست‌کاری شرایط محیطی پرداخت» (همان).

مفهوم «محیط»، به احاطه انسان در حصار عوامل و شرایط اشعار دارد که به نوبه خود، گویای ناتوانی عمومی - جز در مواردی - در مقابله با محیط است. این ادعا به معنای سلب اراده در مواجهه با محیط نیست، اما مخالفت با آن نیز چندان فراوان نیست. نقش محیط در رشد یا انحطاط اخلاقی از آن نظر است که محیط خبیث، قابلیت رشد معنوی را سلب می‌کند، هدایت را به خسارت تبدیل می‌سازد (اسراء: ۸۲)، استعداد هدایت‌پذیری را سلب می‌نماید و برای تربیت اخلاقی مانع جدی می‌شود. تعابیری مانند «نمی‌شنوند، نمی‌بینند، کر و گنگ و کورند، غافلند، مانند حیوان و بدتر از آن‌اند» حاکی از همین حقیقت است (ر.ک: انفال: ۲۱؛ بقره: ۲۵؛ فاطر: ۱۴؛ اعراف: ۱۹۸؛ انفال: ۲۲؛ مدثر: ۵۰-۵۱؛ اسراء: ۴۶ و ۴۷؛ فرقان: ۴۴). رذایل مذکور عمدتاً رهاورد محیط آلوده و نبود عزم جدی برای برون‌رفت از آن است. اما تأثیرپذیری انسان‌ها از محیط یکسان نیست؛ زیرا با تفاوت متغیرها، میزان آن تغییر می‌کند.

متغیرهای زمینه‌ساز تأثیرپذیری محیطی

محیط تأثیرگذار شامل دو مصداق «طبیعی» و «اجتماعی» است. «محیط طبیعی» مکان جغرافیایی زندگی است؛ اما «محیط اجتماعی» از جمع انسان‌ها در یک مکان، دارا بودن هدف واحد و تعامل با یکدیگر حاصل می‌شود.

برخی متغیرهای محیط انسانی و احیاناً برآیند آنها فرد را قادر می‌سازد بر تأثیرات محیط طبیعی غالب شود. جمع بودن تعداد بیشتری از متغیرها احتمال تأثیرپذیری را افزایش می‌دهد. متغیرهایی که زمینه تأثیرپذیری هرچه بیشتر را فراهم می‌آورند، در ذیل بررسی شده‌اند:

یک. دوران کودکی و نوجوانی

دوران طفولیت و سنین نزدیک به آن زمینه تأثیرپذیری از عوامل محیطی را مهیاتر می‌کند. کودکی ترکیبی از سادگی، صداقت، خوش‌باوری و اعتماد است. امام علی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به فرزندشان، قلب کودکان را به زمینی کاملاً مستعد، که آمادگی دارد هر نوع کشتی را در خود پرورش دهد، تشبیه کرده‌اند (سید رضی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱). یا فرموده‌اند: «نوجوانان را دریابید که آنها نسبت به کارهای خیر پیش‌قدم‌ترند» (همان). نوع محیط موجب شکوفایی یا مکتوم ماندن داده‌های فطری است.

غزالی چون جاحظ، ابن خلدون، سعدی، از مریبانی است که به تأثیر محیط بر تربیت سخت باور دارد. او کودک را پاک فطرت می‌داند و می‌گوید: هنگام زادن هیچ نیک و بدی در او فعلیت ندارد؛ اما چون در محیط قرار گیرد، عوامل گوناگون محیطی بر او مؤثر افتد (بهشتی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱).

غزالی در ادامه نوشته است:

اگر این عوامل تربیتی مثبت باشند، صفات نیک بالفطره کودک احیا می‌شود و اندک‌اندک رو به فعلیت می‌رود، و صفات بد مکتوم می‌ماند و زمینه بروز نمی‌یابد؛ و اگر عوامل تربیتی منفی باشد، صفات نیک مکتوم می‌ماند، و صفات بد زمینه ظهور می‌یابد و رفته‌رفته به فعلیت می‌رسد و کودک از دست می‌رود (همان).

بیان امام صادق علیه السلام که می‌فرمایند: «قبل از آنکه مرجئه فرزندان‌تان را گمراه کنند، احادیث ائمه را برای آنان بیان کنید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷)، تأکیدی بر ظرفیت تأثیرپذیری کودکان است. کودکانی که شخصیت‌شان در محیط آلوده شکل گرفته، در بزرگسالی، محیط سالم را ترجیح نمی‌دهند. امام صادق علیه السلام کیفیت استقبال مردم بصره نسبت به تشیع را از کسی سؤال کردند، پاسخ داد: ضعیف است. حضرت فرمودند: نوجوانان را دریابید؛ زیرا شتاب آنان به جانب خیر بیشتر است (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۸).

امروزه کودکان، مظلومانه، با کمک خانواده، مورد هجوم فضای حقیقی و مجازی‌اند، اما توان مقابله ندارند. برخی والدین اولین خائنان به فرزندان خویش‌اند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ کسی که می‌خواست حق فرزند بر پدر را بدانند فرمودند: «...أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ وَأَدَبَهُ وَيَضَعَهُ مَوْضِعاً صَالِحاً»؛ نام نیکو بر او بگذارد، نیکو ادبش کند و محیط تربیتی شایسته‌ای برای او فراهم آورد (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۹۰). آموزش نسبت به کودک، مانند نقش انداختن بر سنگ است: «العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر» (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۱۹).

ارزش‌های دوران کودکی گاهی چنان استوار می‌شود که در بزرگسالی در برابر اندیشه‌های مخالف - حتی اندیشه‌های توحیدی- مقاومت کرده، اندیشه پدران خویش را اصل می‌خواند (ر.ک: لقمان: ۲۱). ماندگاری ارزش‌های کودکی در تمام عمر، تربیت دوران کودکی را از حساسیت خاصی برخوردار می‌کند.

دو. تواضع، در برابر تکبر

از ویژگی‌هایی که زمینه پذیرش عوامل صلاح و فساد در صاحبان خود را فراهم می‌آورند، تواضع یا تکبر است. انسان‌های متواضع در پذیرش حق، و متکبر در انکار حق پیش‌قدم‌اند؛ یعنی گروه اول محیط طیب و گروه دوم آلوده را انتخاب می‌کنند؛ شاید به این علت که متکبران به سبب آلودگی درون، با محیط آلوده سنخیت بیشتری دارند. قرآن در تحلیل چرایی این انتخاب، به سه دلیل «تکبر ناحق»، «تکذیب آیات الهی» و «غفلت» تصریح کرده است: «به‌زودی، کسانی که در زمین به ناحق متکبر و گردن‌کش هستند و اگر هر معجزه‌ای هم ببینند ایمان نمی‌آورند و اگر راه هدایت و رشد را ببینند آن را نمی‌پیمایند و چنانچه راه ضلالت و گمراهی را ببینند آن را در پیش می‌گیرند، این‌ها را از آیات خود منصرف خواهیم کرد و این به سبب آن است که آنها آیات ما را تکذیب کردند و نسبت به آنها غفلت ورزیدند» (اعراف: ۱۴۶). مرحوم طباطبایی معتقد است: قید «ناحق» برای تکبر توضیحی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۴۱)؛ زیرا تکبر به حق وجود ندارد.

سه. دسترسی آسان یا سخت به محیط طیب یا خبیث

دسترسی هرچه آسان‌تر به عوامل پاکیزه یا آلوده‌کننده - اعم از کتاب، دوست یا بدافزارهای اخلاقی - شرایط هم‌رنگی را تسهیل می‌کند. در برابر، در دسترس نبودن، کار را نسبتاً سخت می‌کند. کتاب یا دوستی که به‌سادگی در دسترس است، بیشتر مورد استقبال واقع می‌شود. در نتیجه، تأثیرپذیری از آن سهل‌تر است. بدین‌رو، تلاش برای دسترسی به محیط طیب یا فاصله گرفتن از عوامل خبیث، مورد امر و نهی قرآن است. تعابیری مانند «سارعوا» و «سابقوا» (آل عمران: ۱۳۳؛ حدید: ۳۱) یا تعابیری مانند: «لا تقربا»، «لا تقربوا»، «اجتنبوا»، «یغضبوا»، «یغضضن»، «فلا تخضعن»، «قوا انفسکم و اهلیکم نارا» از آن جمله است (ر.ک: نساء: ۴۳؛ انعام: ۱۵۱ و ۱۵۲؛ اسراء: ۳۳ و ۳۴). در این آیات، بر دوری جستن از فواحش ظاهری و باطنی، مال یتیم، نماز در حال مستی و زنا تأکید شده است. امام معصوم علیه السلام هر معصیتی را حریم خدا خوانده و دوری جستن از آن را توصیه کرده است: «معاصی، حریم خداست. کسی که به آن نزدیک شود، در شرف ورود به آن خواهد بود» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۷۶). گاهی ایمان و تقوا نیز مانع سقوط نیست. فرار کردن از موقعیت‌های آلوده، تنها راه مصونیت است. با این فرض که کودکان یا کودکان صفتان مصلحت خود را تشخیص نمی‌دهند، حاکمان اندیشمند با حکیمانه‌ترین روش، وظیفه اصلاح را انجام می‌دهند. حضرت علی علیه السلام به‌عنوان امام و حاکم امت اسلامی، اصلاح جامعه را از وظایف خود دانسته، فرموده‌اند: «خدایا، تو می‌دانی که درگیری ما برای این است که نشانه‌های حق و دین تو را آشکار و در زمین تو اصلاحات را ظاهر کنیم» (سید رضی، ۱۳۷۹، خ ۱۳۱، ص ۲۴۸). این ممانعت ممکن است از طریق هشدار یا در نهایت، قوه قهریه صورت بگیرد.

چهار. کوتاهی یا بلندی زمان حضور در محیط

مدت اقامت در محیط طیب یا خبیث، نقشی تعیین‌کننده در تأثیرپذیری ایفا می‌کند.

بر اساس مطالعات میدانی، ارزش‌های خانوادگی در میان استفاده‌کنندگان از فضای مجازی، متناسب با طول زمان استفاده از فضای مجازی متفاوت است (خدامرادی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۵).

در آلودگی زیست‌محیطی نیز ابتلا یا درمان، به کوتاه یا بلند بودن مدت اقامت در آن وابسته است. اعتیاد به زیست کردن در محیط آلوده، ترک آن و ورود به دنیای دیگر را دشوار می‌کند.

در **مثنوی معنوی** آمده است: مردی از بازار عطر فروشان می‌گذشت که ناگهان بیهوش شد و بر زمین افتاد. هر چند برای درمان او تلاش کردند، ثمری نداد. برادرش را خبر دادند. وی گفت: شغل برادرم دباغی است. سال‌ها با فضولات حیوانات زندگی کرده و لایه‌های مغزش از بوی سرگین پر شده است. کمی سرگین سگ برداشت، با عجله بالای سر او آمد، و با زیرکی، مدفوع را جلوی بینی او گرفت. مرد به هوش آمد.

که بدان او را همی معتاد و خوست

هم از آن سرگین سگ داروی اوست

(رومی، دفتر چهارم، بخش ۱۱)

افلاطون در کتاب **جمهور**، در مقام تمثیل، غارنشینی را معرفی می‌کند که دست و پای آنها بسته شده، سال‌ها رو به دیوار غار نشسته و هرگز پشت سر خود را ندیده‌اند. ناگهان، زنجیر از پای یکی از زندانیان باز شده، به عقب برگشته، پشت سر خود را می‌بیند و سپس از دهانه غار به بیرون می‌رود. او متوجه می‌شود که حقیقت چیز دیگری است. اما زمانی که می‌خواهد دیگران را با خود همراه کند، از همراهی با او سر باز می‌زنند. این تمثیل در مقام توضیح عالم «مثل» است، اما حاکی از واقعیتی اجتماعی است (افلاطون، ۱۳۹۰، ص ۵۲).

پنج. تقلید شایسته یا ناشایسته

مقصود از «تقلید»، همانندسازی خویشتن با دیگران و تکرار رفتار آنان، از روی توجه یا بدون توجه به نوع رفتار است. برخی روان‌شناسان نوشته‌اند: «تقلید به معنای تولید مجدد و فعال کیفیات و خصوصیات ادراک شده رفتار موجود دیگر است» (منصور، ۱۳۸۸، ص ۲۴۹). بخش وسیعی از رفتارها و کنش‌های آدمی، ریشه در تقلید از دیگران دارد. به اعتقاد علامه طباطبایی، محال است کسی یافت شود که پیرو و مقلد نباشد. کسی که خلاف این را ادعا کند یا بپندارد که در طول زندگی تقلید نکرده، خویشتن را فریفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱۲).

تقلید ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه، واقعی یا خرافی باشد. تقلید در حالات ناآگاهانه و خرافی، به سن زمانی، میزان عقلانیت یا سفاقت انسان بستگی دارد. تقلید ممکن است ابتدا در موارد جزئی باشد، اما مقلد در نهایت، در همه جهات شبیه کسی خواهد شد که از او تقلید کرده است. بدین‌رو، حضرت علی علیه السلام فرمودند: «اگر صبور نیستی خود را به صبوران شبیه کن! زیرا کم‌اند کسانی که خود را به قومی شبیه کنند، اما عضوی از آنان نشوند» (سید رضی، ۱۳۷۹، حکمت ۲۰۷). امام صادق علیه السلام هم فرموده‌اند: «خدای متعال به پیامبری وحی کرد به قومش بگوید: لباس دشمنان مرا نپوشید، غذای دشمنان مرا نخورید و خود را به شکل دشمنان من در نیابید که شما هم از دشمنان من خواهید شد» (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۱۱۱).

مشابهت سطحی با بیگانه، گام اول در پذیرش اندیشه و فرهنگ آنان است. تقلید در کودکان، جایگاه ویژه‌ای دارد. با فرض اینکه ادعای برخی محققان مبنی بر اینکه «نوزادان قبل از دو سالگی تقلید نمی‌کنند و تقلید رفتارهای

مختلف در سنین متفاوت شکل می‌گیرد» (جونز، ۲۰۰۹م، ص ۴۳) را بپذیریم - که جای تردید است - اما قطعاً در سایر سنین، تقلید اولین عامل یادگیری است. بدین‌رو، مراقبت والدین و مربیان بر رفتار خویش، قبل از هر عامل دیگر، توصیه جدی معصومان علیهم‌السلام است. «کسی که خود را پیش کسوت می‌داند قبل از آموزش دیگران، باید خود را آموزش دهد، و قبل از آنکه با زبان ادب کند با سیرت و رفتار، ادب کند» (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۱۵۰).

شش. اعتماد یا عدم اعتماد به محیط طیب یا خبیث

از متغیرهایی که ضریب تأثیرپذیری از عوامل مؤثر محیطی را کاهش یا افزایش می‌دهد، اعتماد یا عدم اعتماد به عوامل تأثیرگذار محیطی است. اعتماد کردن در برابر سوء ظن داشتن است که ممکن است نسبت به فرد یا گروه، بجا یا بیجا باشد. «اعتماد را می‌توان داشتن حسن ظن به دیگران در روابط اجتماعی دانست که دارای دو طرف اعتمادکننده و اعتمادشونده (فرد یا گروه) است» (بختیاری، ۱۳۸۹، ص ۶۸). مهم‌ترین نقش آن، این است که «روابط اجتماعی را تسهیل کرده، امکان سود یا زیان را در خود نهفته دارد» (همان). روابط انسانی نیازمند اعتماد و حسن ظن است، اما به‌ویژه امروزه برای دریافت ارزش‌های اخلاقی و انسانی، به همگان نمی‌توان اعتماد کرد. باید به منابع ناشناخته یا شناخته شده به‌عنوان دشمن، و از جمله رسانه‌های جمعی بیگانه با دید تردید نگریست. امام صادق علیه‌السلام ذیل آیه «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس: ۲۴)، علم را نوعی طعام دانسته‌اند که برای دریافت و خوردن آن، باید نهایت احتیاط را انجام دهد (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۵۸۴). این سخن در زمانی صادر شده که فناوری‌های کنونی دست مخالفان دین و ارزش‌های انسانی نبوده است.

اعتماد گام اول در الگوپذیری است. فرزندی که به والدین خود اعتماد ندارد، آگاهانه آنان را الگو قرار نمی‌دهد یا تنها ویژگی‌هایی را برمی‌گزیند که برای او قابل اعتماد باشند.

بین ویژگی‌های فردی والدین مانند سن، تحصیلات و شغل، تنها متغیر تحصیلات، با نوع الگوهای رفتار اجتماعی دختران رابطه معناداری نشان داده است (پوریوسفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۵۹).

با تأسف، گاهی انسان‌های غیرقابل اعتماد در جایگاه معتمد قرار گرفته، و معتمدان غیرقابل اعتماد می‌شوند. به بیان دیگر، جای دوست و دشمن عوض می‌شود. در این صورت، پیام‌های ارزشی از جانب نیکان نادیده گرفته شده، سخیف‌ترین پیام‌ها، گوش شنوا پیدا می‌کنند. به قول سعدی، «مجلس وعظ چو کلبه بزاز است، آنجا تا نقدی ندهی بضاعتی نستانی، و اینجا تا ارادتی نیاری سعادتت نبوی» (سعدی، ۱۳۸۸، حکایت ۳۸). سوء ظن به انسان‌های شایسته، به رسیدگی از آنان منجر می‌شود. بر این اساس، مربیان شایسته باید عوامل دافع را به حداقل و جاذب را به حداکثر برسانند. خدای متعال نیز تمام عناصر جاذب را در پیامبران جمع و عوامل تنفر را از آنان دور کرده است.

مرحوم مجلسی نوشته است: «عصمت، کمال عقل، ذکاوت، زیرکی، قوت رأی، سهو نکردن باید در هر پیامبری باشد. در برابر، هرآنچه موجب نفرت خلق می‌شود، مانند پستی پدران، آلودگی مادران، خشونت و غلظت، اینه (تمایل به ملوث بودن) و شبه آن، همچنین غذا خوردن در مسیر و شبه آن نباید در آنان باشد. علامه در شرح تجرید نوشته

است: باید از امراض منفره مانند ابنه، سلاست ریح، جذام و برص منزه باشند؛ زیرا اینها موجب نفرت است و با غرض بعثت منافات دارد. قوشچی سلس البول را هم افزوده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴ ص ۲۵۱).

اعتماد به ناشناخته‌ها و بالاتر از آن، دشمنان - مثلاً، در فضای مبتذل مجازی - در نهایت، موجب نابودی یا ضعف ارزش‌های دینی و ملی خواهد شد. برای نمونه:

برنامه‌ها و فیلم‌های ماهواره‌ای حاوی محتوایی است که در آن، پای‌بندی و وفاداری به خانواده و ارزش‌های اخلاقی، امری مضحک و عوامانه به نظر می‌رسد، و در مقابل، داشتن روابط آزاد جنسی، روابط متهورانه جنسی و ایجاد تردید درباره اهمیت و ارزش ازدواج ناشی از نگاه آزاداندیشانه و مترقی به زندگی و روابط عاطفی تلقی می‌شود (روشن و خلیل‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۰۷).

در برابر، بدگمانی نسبت به نیکان، آدمی را نسبت به‌پذیرش سخن آنان بی‌رغبت می‌کند. برای مثال، کسی که - به دلیل واهی - به حضرت موسی علیه السلام بدگمان شده است، معجزات او را هم نمی‌پذیرد. مولانا از زبان حضرت موسی علیه السلام خطاب به بنی‌اسرائیل گفته است:

| | |
|-----------------------------|------------------------------|
| صد هزاران معجزه دیدی زمن | صد خیالت می‌فزود و شک و ظن |
| از خیال و وسوسه تنگ آمدی | طعن بر پیغمبری ام می‌زدی ... |
| بانگ زد گوساله‌ای از جادویی | سجده کردی که خدای من تویی |
| چون نبردی بد گمان در حق او | چون نهادی سر چنان ای زشت رو |

(رومی، دفتر دوم، ص ۲۵۶)

خوش‌گمانی به گوساله، بنی‌اسرائیل را نسبت به پرستش آن راغب کرد. به بیان حضرت علی علیه السلام، مجالست با اشرار، بدگمانی به خوبان را در پی دارد (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۶، ص ۲۶۴). به گفته حضرت عیسی علیه السلام با مؤمنانی معاشرت کنید که دیدن آنها شما را به یاد خدا اندازه، گفتار آنها بر علم شما بیفزاید و عمل آنها شما را به آخرت تشویق کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹). در این صورت، دید واقعی نسبت به دشمنان در شما شکل خواهد گرفت.

هفت. سطحی‌نگری در برابر معرفت عمیق

انسان سطحی‌نگر قادر نیست پیامد رفتار خود را بسنجد. بدین‌روی، به سادگی در دام محیط آلوده گرفتار می‌شود. اینان اندیشیدن را نیاموخته‌اند، یا آموخته‌اند که اندیشه نکنند. در برابر، انسان‌های عاقل با سنجش عواقب رفتار، به محیط آلوده وارد نمی‌شوند؛ زیرا «چه بیایند لذت‌هایی اندک که غم‌هایی طولانی بر جای می‌گذارند!» (سید رضی، ۱۳۷۹، کلمات قصار).

سطحی‌نگری و فقدان معرفت عمیق بنی‌اسرائیل موجب شد پس از سال‌ها حشر با حضرت موسی علیه السلام، به محض دیدن جلوه‌هایی از بت‌پرستی، بدان راغب شوند. «و فرزندان اسرائیل را از دریا گذرانیدیم تا به قومی رسیدند که بر بت‌های خویش همت می‌گماشتند. گفتند: ای موسی، همان‌گونه که برای آنان خدایانی است، برای ما نیز خدایی قرار ده! گفت: راستی، شما گروهی هستید که نادانی می‌کنید!» (اعراف: ۱۳۸) حشر چند ساله با پیامبر و مشاهده معجزات

فراوان، برای بنی‌اسرائیل باور عمیق ایجاد نکرده بود. آنان همچنان گذرا و جاهلانه به حوادث می‌نگریستند. سطحی‌نگری، جهالت، نداشتن تحلیل مناسب، تکیه بر مدرکات حواس ظاهر و ضعف عقلانی، بستری مناسب برای تأثیرپذیری هرچه بیشتر از محیط آلوده است. باور شبهات، ارتداد، رغبت به کفر یا گرایش به سایر ادیان نیز در بستر فقدان معرفت عمیق قابل تحلیل است. الگوهای آموزشی خانواده نیز زمینه‌های سطحی‌نگری در فرزندان را فراهم می‌آورد. پیامبر معظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پدران مؤمن دوره آخرالزمان را به این خاطر که «ولاًء و اجبات دینی را به فرزندان خود آموزش نمی‌دهند؛ ثانیاً، با فرض آموزش، به آنان اجازه عمل به واجبات نمی‌دهند؛ ثالثاً، فقط دستیابی فرزندان به متاع بی‌ارزش دنیا برای آنها راضی‌کننده است» توبیخ کرده و از آنان بیزاری جسته‌اند (شعیری، بی‌تا، ص ۱۰۶).

هشت. نوع مزاج انسانی

گمان می‌رود گرمی و سردی یا تری و خشکی مزاج زمینه گرایش به جانب خوبی یا بدی را فراهم می‌آورد. در تعریف «مزاج» نوشته‌اند:

«مزاج» کیفیتی است که در اثر واکنش میان عناصر اربعه جسم حاصل شده است و دارای خاصیتی متفاوت از خاصیت اجزاء است. کیفیت حاصل شده دارای درجاتی متفاوت از اعتدال است و میزان اعتدال کیفیت حاصل شده (مزاج) عامل مهمی برای دستیابی موجودات به رتبه‌های متفاوت وجود است (آهنچی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱).

بیشتر پیشینیان در این عقیده مشترک‌اند که مزاج آدمی بستری مناسب برای بروز برخی صفات اخلاقی یا گرایش به جانب خیر و شر است. انسانی که در رفتارهای جنسی پرجنب و جوش است، احیاناً به رفتارهای غیراخلاقی دست می‌زند یا به سرعت خشم گرفته، سخنان ناروا می‌گوید. به احتمال، رفتار او را می‌توان به گرمی مزاج او مرتبط دانست. یا اگر برخی همسران نیاز جنسی یکدیگر را برآورده نمی‌کنند - که خود، بدون عذر موجه، رفتاری غیر شرعی و غیر اخلاقی است - و ممکن است در نهایت، به اختلاف خانوادگی و جدایی منجر شود، احیاناً در سردمزاجی ریشه دارد. اما سؤال اصلی میزان تأثیرگذاری مزاج است. آیا مزاج، آدمی را در بروز رفتارها یا تصمیم‌گیری‌های اخلاقی بی‌اختیار می‌کند یا عملکرد آن، تنها در حد یک ظرفیت و استعداد است؟

برخی محققان معتقدند: «تفاوت‌های اخلاقی بین کودکان می‌تواند در اثر اختلاف مزاج آنها باشد. اگر بعضی کودکان عصبانی و تندخو و برخی شکیب، برخی لجوج و برخی مطیع، برخی زرنگ و بعضی تنبل و بعضی خیرخواه و بعضی خودخواه، بعضی شادمان و بعضی اندوهگین هستند، ممکن است این صفات معلول کیفیت مزاجی و توان جسمانی آنها باشد. اما به این معنا نیست که این صفات و اخلاقیات قابل تغییر نباشد، بلکه مزاج بیش از استعداد و آمادگی بیشتر برای ظهور و بروز این صفات نتیجه نمی‌دهد» (رک: یشرب و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳۵-۶۶).

بر این اساس، انسانی که مزاجی گرم دارد، به مرز خشم و عصبانیت نزدیک‌تر است، اما بدان معنا نیست که توانایی کنترل بر نفس یا رفتارهای خویش را نداشته باشد. در غیر این صورت، بسیاری از مبانی انسان‌شناختی تربیت، مانند اراده و اختیار آدمی زیر سؤال خواهد رفت.

نه. اعتماد صادق یا کاذب به خویشتن

اعتماد صادق به خویشتن بر اساس معرفت یقینی نسبت به ارزش‌ها و باورهای دینی شکل می‌گیرد. صاحب آن به‌سادگی، خود را در اختیار تفکرات باطل قرار نمی‌دهد. جرئت «نه» گفتن یا مقابله با تفکر باطل در او تثبیت شده است. در برابر، نقطه آغاز آلودگی‌ها گاهی اعتماد کاذب و ورود به محیط آلوده توسط فردی است که خود را از آن بالاتر می‌داند که آلوده شود. اعتماد کاذب او را در دام عوامل آلوده‌کننده گرفتار می‌کند؛ مثلاً، این باور، که امکانات دریافت‌کنندهٔ امواج ماهواره‌ای به تفکرات و ارزش‌های او آسیب نمی‌رساند یا در صورت معاشرت با دوستان فاسد، از فساد آنان در امان است، آغاز آلودگی است. حتی گاهی، در عین آلودگی، خود را پاکیزه می‌داند؛ تفکری خطرناک که به تعبیر قرآن، صاحب آن از زبان کارترین افراد است: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿۱۰۳﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (کهف: ۱۰۳-۱۰۴)؛ بگو آیا شما را از آنهایی که از حیث عمل زبان‌کارترند خبر دهیم؟ همان کسانی که کوشش ایشان در زندگی این دنیا تلف شده، می‌پندارند رفتاری نیکو دارند. در نهایت، برای اینان جای خوب و بد و حق و باطل عوض شده، به تعبیر قرآن، اعمال بد برای اینان خوب جلوه می‌کند. «آیا کسی که عمل بدش برای او تزیین شده و آن را خوب و زیبا می‌بیند، همانند کسی است که واقع را آن‌چنان که هست می‌یابد؟» (فاطر: ۸).

برای رهایی از ظلمت‌های انباشتهٔ محیطی، تلاش کنیم شاخص‌های تأثیرپذیری از محیط طیب را به نقطهٔ مطلوب سوق دهیم و در برابر تأثیرات نامطلوب بلد خبیث، خود و دیگران را مقاوم کنیم. بر اساس تحقیق میدانی که میرمحمدی و ساروخانی در سال ۱۳۹۱، در باب تأثیر فضای مجازی و تحولات هویت ملی در میان شهروندان تهرانی انجام داده‌اند، بیش از ۶۴ درصد از تحولات و تغییرات (تقویت یا تضعیف) هویت ملی در میان شهروندان تهرانی، همزمان تحت تأثیر هفت متغیر- میزان دسترسی به فضای مجازی، اعتماد به آن، میزان استفاده از آن، سن، جنسیت، نوع نگرش و سطح تحصیلات- بوده است.

نتیجه‌گیری

تأثیرات محیطی قادر است خلیات، ارزش‌ها، تفکرات و سبک زندگی آدمی، و در یک کلام، شخصیت انسان را تغییر دهد. منشأ این تغییرات - احیاناً ناخواسته- ذهن آدمی است که گاهی فریفته شده، توانایی تشخیص اثرپذیری‌های بسیار تدریجی از محیط طیب یا خبیث را از دست می‌دهد. همهٔ انسان‌ها در تأثیرپذیری یکسان نیستند، متغیرهای متفاوتی تأثیرپذیری را تشدید یا تضعیف می‌کند. سازوکار این تغییرات روند بسیار کند، تدریجی و پیوسته بودن آن است. اجتناب از محیط‌هایی که تأثیر نامطلوب می‌گذارند، مراقبت بر خویشتن، محاسبهٔ نفس، همچنین توجه به اینکه چه تغییرات پیشی، کنشی و رفتاری ممکن است به صورت ناخواسته در آدمی حاصل شود و اینکه کدام عوامل محیطی در حال تغییر کردن و تغییر دادن هستند، یا اینکه چه تغییراتی بااهمیت و کدامین تغییرات بی‌اهمیت‌اند، همچنین پیش‌بینی اینکه اگر این تغییرات رخ دهد چه نتایج مثبت یا منفی دربر خواهد داشت، همه ممکن است روند تأثیرپذیری انسان از محیط را به مرحلهٔ خودآگاهی و تصمیم‌گیری و سرانجام، پذیرش یا اجتناب از آن وارد کند.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی.
- آهنچی، مرکز، و محمد سعیدی مهر، ۱۳۹۰، «بازخوانی مفهوم مزاج بر پایه پزشکی مدرن»، *فلسفه علم*، ش ۲.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بختیاری، مهدی، ۱۳۸۹، «اعتماد اجتماعی و رابطه برخی عوامل اجتماعی با آن: مطالعه موردی شهر قم»، *مطالعات فرهنگی و اجتماعی*، پیش شماره دوم.
- بلاغی نجفی، محمدجواد، ۱۴۲۰ق، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم، بنیاد بعثت.
- بلخی، محمد، ۱۳۶۶، *مثنوی معنوی*، دفتر دوم، تهران، شرق.
- بهشتی، محمد و دیگران، ۱۳۸۸، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بی‌ریا، ناصر، و سیداحمد رهنمایی، ۱۳۹۴، *روان‌شناسی رشد ۱: با نگرش به منابع اسلامی*، تهران، سمت.
- پوریوسفی حمید، و دیگران، ۱۳۸۸، «بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر الگوپذیری رفتار اجتماعی دختران»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال سوم، ش ۱.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴، *ادب قضا در اسلام*، تنظیم و تحقیق: مصطفی خلیلی، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام لایحه التراث.
- حسینی عذاری، سید شهاب‌الدین، بی‌تا، *ملاحم المنهج التربوی عند اهل‌البتیت علیه السلام*، بی‌جا، مرکز الرساله، ستاره.
- حمیری، عبدالله، ۱۴۱۳ق، *قرب الاسناد*، قم، مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام.
- خدا مرادی، طاهره و دیگران، ۱۳۹۳، «بررسی میزان استفاده از فضای مجازی بر ارزش‌های خانواده (مطالعه موردی: معلمان مقطع متوسطه سازمان آموزش و پرورش استان ایلام)»، *فرهنگ ایلام*، ش ۴۴ و ۴۵.
- رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ق، *تفسیر مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار العلم الدار الشامیه.
- راوندی، قطب‌الدین، ۱۴۰۵ق، *فقه القرآن*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- روشن، محمد، و محمد مهدی خلیل‌زاده، ۱۳۹۲، «حقوق خانواده در برابر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای»، *خانواده پژوهی*، سال نهم، ش ۴.
- سعدی، مصلح‌الدین، ۱۳۸۸، *گلستان*، شیراز، مرکز سعدی‌شناسی.
- سیدرضی، ۱۳۷۹، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، پارس‌بان.
- شعیری، تاج‌الدین، ۱۳۶۳، *جامع الاخبار*، قم، رضی.
- شعیری، محمد بن محمد، بی‌تا، *جامع الاخبار*، نجف، حیدریه.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۰، *مکارم الاخلاق*، قم، رضی.
- عاملی، شیخ حر، ۱۳۸۷، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- عبدالقادر، حامد، ۱۳۵۴ق، *البتیه و اثرها فی التریبه*، صحیفه دارالعلوم، ش ۱، بی‌جا.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۲۲ق، *تفسیر نور الثقلین*، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی.
- قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- قشیری، عبدالکریم، بی‌تا، *الهیئه المصریه العامه للکتاب*، مصر.

کراچکی، محمدبن علی، ۱۴۱۰ق، *کنز الفوائد*، قم، دار الذخائر.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

منصور، محمود، ۱۳۸۸، *روان‌شناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری*، تهران، سمت.

میرمحمدی، داود، و باقر ساروخانی، ۱۳۹۱، «فضای مجازی و تحولات هویت ملی در ایران، مطالعه موردی شهر تهران»، *مطالعات*

ملی، سال سیزدهم، ش ۴.

یثربی، سیده مرضیه و دیگران، ۱۳۹۴، «تبیین نقش مزاج در تعلیم و تربیت با تأکید بر تربیت اخلاقی از دیدگاه حکمای اسلامی و

صاحب‌نظران طب سنتی ایران»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال بیست و سوم، دوره جدید، ش ۲۸، ص ۳۵-۶۶

Jones. Susan S (2009) The development of imitation in infancy. Volum 364. Issue 1528. DOI: 10.1098/rstb.2009.0045



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی